

چکیده

نشست بیست و هشتم هیأت نمایندگان اتاق ایران، یکی از واقعی‌ترین لمضاتی بود که تصویر اقتصاد کشور بدون پرده‌پوشی آشکار شد. در این نشست، نمایندگان بخش خصوصی با استناد به رویدادهای اخیر، از بحران انرژی تا حادثه بندر شهید رجایی و چالش‌های ته‌لنجی، کوشیدند نه فقط وضعیت موجود را شرح دهند، بلکه ریشه‌های سافتاری مشکلات را باز کنند. این گزارش تحلیلی، برداشت مرکز متاص از آن نشست است؛ تحلیلی که تلاش می‌کند از دل گفت‌وگوهای رسمی، یک نقشه‌راه عملیاتی برای مکرانی اقتصادی استخراج کند.

مقاله نشان می‌دهد که اقتصاد ایران امروز نه با یک چالش، بلکه با پنج بحران هم‌زمان روبه‌روست: بحران انرژی، ناهماهنگی نهادی، گسست‌های لجستیکی، سیاست‌های تجاری ناپایدار و بی‌ثباتی (زنجیره تأمین). اما در مقابل، اتاق ایران به‌عنوان محور گفت‌وگو و تنها نهاد ملی نمایندگی بخش خصوصی، تلاش می‌کند تعادل از دست‌رفته میان دولت، تولیدکننده و سازوکارهای سیاست‌گذاری را دوباره برقرار کند.

این مقاله با رویکردی پژوهشی - تحلیلی، ابتدا روایت دقیق نشست را ارائه می‌دهد، سپس چالش‌های بنیادین را واکاوی می‌کند، نقش اتاق را بازتعریف می‌کند و در نهایت راهکارهایی فراتر از مطالب مطرح‌شده در جلسه پیشنهاد می‌دهد، راهکارهایی که برای شرایط فعلی کشور «میاتی» هستند.

فصل اول: روایت تحلیلی و لایه‌به‌لایه از آنچه در نشست ۱۲۸م اتاق ایران گذشت

نشست بیست و هشتم هیأت نمایندگان اتاق ایران را می‌توان یکی از واقع‌گرایانه‌ترین نشست‌های سال‌های اخیر دانست؛ نشستی که برفلاف بسیاری از جلسات اقتصادی که صرفاً صورت‌جلسه می‌شوند، در آن «واقعیت اقتصاد ایران» آشکارتر از همیشه روی میز آمد. این نشست یک پیام مهم داشت: وضعیت کنونی اقتصاد را دیگر نمی‌توان با گزارش‌های رسمی یا آمارهای تزئینی توضیح داد؛ باید آن را دید، لمس کرد و سپس درباره اصلاح آن تصمیم گرفت.

در این فصل، روایتی تحلیلی نه صرفاً فبری و نه از آنچه در این نشست مطرح شد ارائه می‌شود؛ روایتی که تلاش دارد لایه‌های پنهان‌تر این جلسه را توضیح دهد.

۱) بندر شهید رجایی؛ حادثه‌ای که نقش «زیرساخت» را دوباره به ما یادآوری کرد

نخستین محور جلسه، بررسی پیامدهای حادثه اخیر در بندر شهید رجایی بود؛ اما موضوع فقط یک آتش‌سوزی یا یک توقف لجستیکی نبود. در تحلیل اتاق مشخص شد که این حادثه، چهره واقعی ضعف زیرساختی کشور را آشکار کرده:

توقف هزاران کانتینر = توقف هزاران بنگاه

هر کانتینر معطل، یک زنجیره تولید است که گیر کرده: مواد اولیه نمی‌رسد ، تولید می‌فوابد ، تعهدات صادراتی نقض می‌شود.

نبود «فرمانده وامد» در مدیریت بمران

گمرک، بنادر، استانداری، متی وزارتخانه‌ها، هر کدام روایت و اقدام خود را داشتند. این یعنی کشور برای رویدادهای بمرانی، سیستم فرماندهی یکپارچه ندارد.

کمبود ظرفیت لجستیک = افزایش دمو راژ = افزایش قیمت تمام‌شده

بنگاه‌ها در جلسه گزارش دادند که هزینه‌های آنها در همین ماده، تا چند صد میلیارد تومان افزایش یافته.

نتیجه چیست؟ ماده نه چندان کوچک و بمران ملی.

و نشست ۲۸ این واقعیت را بی‌پرده بیان کرد.

(۲) بمران انرژی؛ بزرگ‌ترین تهدید امروز صنعت

بخش دوم نشست به موضوعی اختصاص داشت که تقریباً همه صنایع کشور را تحت فشار قرار داده: بی‌ثباتی انرژی.

در این جلسه برای نخستین بار جمع‌بندی دقیقی ارائه شد:

• **افت ۳۰ تا ۵۰ درصدی ظرفیت تولید**

این عدد فقط یک شافص نیست؛ معنایش این است که:

کارخانه برنامه‌ریزی نمی‌تواند بکند

قراردادهای دافلی به‌فطر می‌افتد

صادرات غیرقابل اتکا می‌شود

سرمایه‌گذاری جدید متوقف می‌شود

• **نبود نقشه انرژی-صنعت**

هیچ‌کس نمی‌داند زمستان چه فواهد شد؛

هیچ‌کس نمی‌داند تابستان چه میزان برق قطع می‌شود.

نمایندگان اتاق با صرامت گفتند:

بدون یک نقشه انرژی برای ۵ تا ۱۰ سال آینده، صنعت ایران توان برنامه‌ریزی ندارد.

• از دست رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران

کارخانه‌ای که امروز گاز ندارد، فردا برق ندارد، سال بعد تکلیف تعرفه‌ها را نمی‌داند—
چگونه می‌تواند سرمایه جذب کند؟

نشست به‌درستی این پیام را منتقل کرد که:

بمران انرژی موضوع امروز نیست؛ مسئله بقاست.

(۳) ته‌لنجی؛ قانون درست، اما بی‌سازوکار

سومین بحث اصلی نشست به موضوع ته‌لنجی اختصاص داشت؛ موضوعی که بیرون از اتاق و بدون مشارکت تشکله‌ها
تصمیم‌گیری شده، اما اثرات آن مستقیم به صنعت می‌رسد.

در تملیل جلسه، سه نکته برجسته شد:

• نیت قانون درست است

حمایت از مرزنشینان، یک ضرورت اجتماعی است.

اما...

• ابزار اجرای قانون وجود ندارد

نه سامانه برخط، نه سقف‌بندی کالایی، نه نظام نظارت، نه ارزیابی اثر.

این یعنی یک قانون «قابل دفاع» می‌تواند در اجرا «آسیب‌زا» شود.

• تولیدکنندگان کوچک اولین قربانی‌اند

صنایع پوشاک، لوازم خانگی، کفش، سلولزی، و متی قطعه‌سازی،

همگی هشدار دادند که (رها)سازی ته‌لنجی می‌تواند بازار داخلی را بی‌ثبات کند.

این بحث‌های جلسه نه احساسی، نه سیاسی؛ بلکه کاملاً فنی و صنعتی بود.

۱۴) ناهماهنگی نهادی؛ مشکل مشترک همه صنایع

یکی از مهم‌ترین و تکرارشونده‌ترین محورهای جلسه، ناهماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی بود. نمایندگان چند مثال ذکر کردند:

- ✓ گمرک یک بخشنامه می‌دهد، صمت بخشنامه دیگری
- ✓ ستاد قاپاق مسیر دیگری را ابلاغ می‌کند
- ✓ استانداری‌ها تفاسیر متفاوت از یک قانون دارند
- ✓ بخشنامه‌ها در فاصله دو هفته نقض می‌شوند

این وضعیت یک پیام دارد:

سیاست‌گذاری اقتصادی ایران هنوز «فرمانده وامد» ندارد.

و این بی‌فرماندهی، هزینه تولید را نامرئی اما بسیار سنگین می‌کند.

۵) پیام پنهان نشست ۲۸؛ اتاق ایران تنها «مرجع تعادل» باقی‌مانده است

در تمام بخش‌های جلسه، یک نکته مثل نخ تسبیح تکرار می‌شد:

اتاق ایران تنها نهادی است که هم داده دارد، هم تحلیل، هم شبکه تشکلهای، هم توان جمع‌بندی.

در این نشست، اتاق نقش‌های مختلفی را برعهده گرفت:

• نقش هشداردهنده

نه برای تفریب، بلکه برای اصلاح.

• نقش تحلیل‌گر

اتاق نشان داد که بمران‌ها را سطحی نمی‌بیند؛ بلکه ریشه‌ها را تحلیل می‌کند.

• نقش پل ارتباطی

میان سیاست‌گذار و تولیدکننده.

• نقش پیشنهاددهنده

نه صرفاً منتقد؛ پیشنهاددهنده راه‌های عملیاتی.

این نشست ثابت کرد:

اگر قرار است سیاست‌گذاری اقتصادی کشور متعادل شود، اتاق ایران باید در مرکز آن قرار گیرد.

نشست ۱۲۸ام نه یک جلسه اداری، بلکه یک «هشدار ملی» بود. هشدار درباره انرژی، تجارت، لجستیک، و مکرانی. اما هم‌زمان یک «امید ملی» هم بود. نقش اتاق ایران، به‌عنوان نهادی که می‌تواند از دل بمران‌ها، راهنمای سیاست‌گذاری استفراخ کند.

فصل دوم: تحلیل کلان و سیستماتیک متاص از ریشه‌های بمران‌های اقتصادی ایران

اگر فصل اول روایت نشست بود، فصل دوم **تحلیل ریشه‌ها**ست؛ تحلیلی که مرکز متاص بر اساس نشانه‌ها، داده‌ها، رفتار سیاست‌گذاری و تجربه صنعتی کشور تدوین می‌کند. این فصل برای آن نوشته شده که خواننده همراه شود، پیرا آنچه در نشست بیان شد، فقط مجموعه‌ای از مشکلات پراکنده نیست، بلکه بفضی از یک **چرفه معیوب سیاست‌گذاری** است.

(۱) انرژی: بمران یا نشانه؟

از نگاه متاص، آنچه صنعت ایران با آن روبه‌روست، صرفاً «کمبود گاز و برق» نیست؛ بلکه **فقدان یک نظام مکرمانی انرژی** است.

چند شافص مهم این موضوع را روشن می‌کند:

(۱.۱) نبود "نقشه انرژی – صنعت"

هیچ کشوری بدون نقشه انرژی نمی‌تواند تولید پایدار داشته باشد.

در ایران نه‌تنها نقشه‌ای برای ۵ یا ۱۰ سال آینده وجود ندارد، بلکه حتی برای ۶ ماه آینده هم پیش‌بینی‌پذیری وجود ندارد.

نتیجه؟

- صنایع انرژی‌بر نمی‌توانند توسعه دهند
- پروژه‌های جدید تعلیق می‌شوند
- صادرات صنعتی ناپایدار می‌شود
- سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی متوقف می‌شود

(۱.۲) بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران

وقتی انرژی تضمین‌شده نیست، کیفیت مکرمانی زیر سؤال می‌رود.

سرمایه ترسوست؛ با اولین علائم بی‌ثباتی، عقب می‌نشیند.

۱،۳) پیامد اصلی: توقف زنجیره ارزش صنعتی

از فولاد تا سیمان، از پتروشیمی تا صنایع پایین‌دستی، همه نیازمند انرژی پایدارند.

قطع انرژی، قطع اکسیژن تولید است.

بنابراین بحران انرژی «نشانه» است؛ نه مسئله اصلی. نشانه‌ی فقدان برنامه‌ریزی کلان.

۲) ناهماهنگی نهادی: ریشه مشترک تمام بحران‌های کشور

در تحلیل متناص، مهم‌ترین پیام نشست ۲۸، نه انرژی بود، نه ته‌لنجی؛

بلکه فقدان هماهنگی نهادی.

این ناهماهنگی سه شکل دارد:

۲،۱) چندصدایی سازمانی

در ایران، هیچ نهادی فرماندهی اقتصادی ندارد.

نتیجه:

- وزارت صمت یک چیز می‌گوید
- گمرک یک مسیر دیگر می‌رود
- ستاد قاپاق چیز دیگری اعلام می‌کند
- بانک مرکزی قواعد خودش را دارد
- استانداری‌ها تفسیر مستقل دارند

این وضعیت بزرگ‌ترین دشمن تولید است:

سیاست‌گذاری غیرقابل‌پیش‌بینی.

۲،۲) نبود فرآیند "ارزیابی اثر"

تقریباً هیچ سیاستی در ایران قبل از اجرا، اثرسنجی نمی‌شود؛

نه اثر آن بر تولید،

نه بر اشتغال،

نه بر قیمت،

نه بر تراز تجاری.

در نتیجه سیاست‌گذار در تاریکی قدم برمی‌دارد.

(۲,۳) فقدان پاسخ‌دهی

هیچ‌کس مسئول تصمیم اشتباه نیست

هیچ‌کس هزینه سیاست غلط را نمی‌دهد.

در چنین سافت‌تاری، اصلاح سیستماتیک تقریباً ناممکن است.

متاسفانه این بخش را «ریشه مادر بمران‌های ایران» می‌دانند.

(۳) تجارت خارجی: سیاست‌گذاری بدون نقشه و بدون ابزار

در فصل اول دیدیم که موضوع ته‌لنجی، نمادی از سیاست‌های تجاری است. متاسفانه تحلیل می‌کند که مشکل اصلی این

سیاست‌ها «ماهیت درون‌ته‌لنجی» نیست؛ مشکل این است که سیاست تجاری در ایران «نظام‌مند» نیست.

(۳,۱) نبود تفکیک میان سیاست‌های حمایتی و تجاری

سیاستی مثل ته‌لنجی با هدف اجتماعی طراحی شده،

اما به دلیل نبود ابزار اجرا، تبدیل به سیاست تجاری می‌شود.

این تخییر ماهیت، نتیجه نبود نگاه جامع است.

(۳,۲) عدم اتصال گمرک، صمت و ستاد قاپاق

تا این اتصال برقرار نشود:

- نظارت کامل نمی‌شود
- آمار دقیق تولید نمی‌شود
- تحلیل اثر ممکن نیست
- تعادل بازار برهم می‌خورد

۳,۳) پیامد: بی‌ثباتی بازار و کاهش انگیزه تولید

بی‌ثباتی قیمت ، عدم پیش‌بینی رقبا و ترس از واردات ناگهانی ، همه باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.

۴) زنجیره تأمین: صنعتی که روی یک تار مو ایستاده

صنعت ایران به‌شدت وابسته به واردات مواد اولیه است؛

بیش از ۶۵٪ مواد اولیه وامدهای صنعتی از مسیر گمرک عبور می‌کند.

این یعنی هر بمران کوچک ، بمران بزرگ برای تولید.

۴,۱) مشکل زنجیره تأمین ایران «سافتاری» است نه مقطعی

بندر شهید (جایی فقط یک نشانه بود.

اگر همین اتفاق در بندر امام یا بندرعباس رخ دهد، کشور دوباره دچار شوک می‌شود.

۴,۲) صنعت ایران شبکه‌ای است، نه جزیره‌ای

اختلال در یک حلقه (مثلاً واردات مواد اولیه)،

کل زنجیره را می‌فرواباند:

- پتروشیمی - الیاف - نساجی - پوشاک
- فولاد - قطعه - خودرو
- کاغذ - بسته‌بندی - صنایع غذایی

۴,۳) این زنجیره به «ثبات» نیاز دارد، نه صرفاً به "مواد اولیه"

ثبات یعنی:

- زمان‌بندی قابل‌پیش‌بینی
- سیستم حمل‌ونقل کارآمد
- امنیت انرژی
- ثبات مقررات

نه فقط رفع موقت کمبود.

۵) جایگاه واقعی اتاق ایران: نهاد تعادل‌ساز در دوران بی‌ثباتی

در تحلیل متاس، یکی از مهم‌ترین یافته‌ها این است:

اتاق ایران تنها نهادی است که هم قدرت دارد، هم مشروعیت، هم شبکه، هم دانش.

اتاق ایران سه نقش هم‌زمان ایفا می‌کند:

۵.۱) نقش اطلاعاتی

اتاق تنها نهادی است که داده واقعی از میدان دارد:

از تشکل‌ها، از انجمن‌ها، از فعالان اقتصادی.

این داده‌ها "واقعی" است نه "آرایشی"

۵.۲) نقش میانی

اتاق می‌تواند سیاست‌گذار را به تولیدکننده وصل کند؛

مهم‌تر از آن: می‌تواند **واقعیت بازار** را به دولت منتقل کند بدون تنش سیاسی.

۵.۳) نقش هشداردهنده

وقتی سیاستی اشتباه است، اتاق تنها جایی است که جرأت و توان تحلیل اثر دارد. هشدارهای اتاق در بحران انرژی، ته‌لنجی و زنجیره تأمین اگر جدی گرفته شود، می‌تواند اقتصاد را از فطاهای پرهزینه نجات دهد. ریشه‌ی بحران‌ها پراکنده نیست؛ بلکه یک «معماری غلط سیاست‌گذاری» پشت آن است.

- نبود نقشه انرژی
- ناهماهنگی نهادی
- سیاست‌گذاری بدون اثرسنجی
- ضعف زنجیره تأمین
- و کاهش توان پیش‌بینی‌پذیری

همه این‌ها از یک نقطه می‌آید: **مکمranی اقتصادی بدون معماری کلان.**

نخست ۱۲۸ام این واقعیت را آشکار کرد و تحلیل متاس آن را سافتاری کرد.

فصل سوم : تحلیل صنعتی: (زنجیره‌هایی که زیر فشار سیاست‌گذاری فرسوده شده‌اند

اگر دو فصل قبل «واقعیت نشست» و «ریشه بحران‌ها» را روشن کرد، این فصل برای پاسخ به یک سؤال میاتی است:

پتروشیمی‌ها با قطع انرژی علاوه بر افت تولید، با کاهش فوراک مواجه‌اند؛ و این یعنی تهدید زنجیره‌های پایین‌دستی؛ مواد شوینده، پلاستیک، بسته‌بندی، PPE، لوازم خانگی، قطعات خودرو.

در نشست ۲۸، اعضای اتاق پيام روشنی دادند:

اگر انرژی پتروشیمی ناپایدار شود، ۲۵ صنعت دیگر زمین می‌خورند.

(۲) زنجیره نساجی، پوشاک و کفش و لوازم خانگی - بزرگ‌ترین قربانی ته‌لنجی

بر اساس تحلیل میدانی تشکل‌ها:

- ۴۵٪ تعطیلی واحدهای کوپک در ۵ سال گذشته
- ۴۲٪ کاهش اشتغال در صنایع کوپک
- ۳۰٪ اخت ظرفیت تولید در سال ۱۴۰۲

این صنعت مثل یک بیمار در آس‌سی‌یو است؛

کافی است یک فشار جدید وارد شود ، واردات ارز، سیاست تهنیتی بدون قاعده، یا بی‌ثباتی ارز ، تا بیمار از تخت بیفتد.

۲.۱) ته‌لنجی چگونه این زنجیره را در معرض سقوط قرار داده؟

تہلنجی بہ خودی خود تہدید نیست.

تهدید از «بی‌نظمی» آن می‌آید:

- نبود سقف‌بندی کالایی
- نبود کد رهگیری
- عدم ثبت در سامانه یکپارچه
- افتلاف فامش قیمت با تولید داخلی

وقتی کالای بدون نظارت وارد می‌شود، تولیدکننده داخلی نه فقط بازار را از دست می‌دهد، بلکه هوایی برای تنفس ندارد.

۲،۲) چرا این صنعت بحرانی‌تر از سایرین است؟

- ماشیه سود پایین
- رقابت مستقیم با کالای ارزان خارجی
- اشتغال‌مبور بودن (هر واحد کوچک ۲۰-۷۰ نفر)
- ضربه‌پذیری در برابر بی‌ثباتی قیمت ارز

این صنعت اگر زمین بخورد، در مقایسه با فولاد یا پتروشیمی، بازگشت پذیری ندارد.

۳) زنجیره لوازم خانگی – آشفته در تجارت و بی‌ثبات در واردات

در نشست ۲۸، فعالان صنعت لوازم خانگی تلویحاً اشاره کردند: "آشفته‌گی در واردات، ما را زمین‌گیر می‌کند."

۳.۱) مشکل اصلی لوازم خانگی چیست؟

- عدم هماهنگی گمرک، صمت و ستاد قاپاق
- عدم کنترل واقعی بر مبادی ورودی
- سیاست‌های کوتاه‌مدت واردات
- بازار مستعد کالاهای قاپاق
- هزینه بالای قطعات و مواد اولیه

۳.۲) چرا این صنعت مهم است؟

- ۴۰۰ هزار شغل مستقیم + غیرمستقیم
- زنجیره ارزش گسترده (پلیمر، فلز، برد الکترونیکی...)
- قدرت صادرات منطقه‌ای
- امکان تبدیل شدن به "هویت صنعتی" در ایران

لوازم خانگی نه فقط صنعت،

بلکه شافص سلامت مکرانی صنعتی است.

۴) زنجیره کاغذ، بسته‌بندی و سلولزی – وابسته به واردات، آسیب‌پذیر از افتلال

در نشست ۲۸ چند بار غیرمستقیم اشاره شد که افتلال در بندر شهید رجایی چگونه به صنایع کاغذی، بسته‌بندی و سلولزی ضربه زده.

۴.۱) وابستگی کامل به واردات مواد اولیه

- خمیر کاغذ
- الیاف سلولزی
- مواد شیمیایی
- نشاسته صنعتی
- فلت و وایر
- رنگ‌ها و بیوسایدها

هر کانتینر معطل - فط تولید فوابیده.

کاذب = بسته بندی

بسته بندی = صنایع غذایی، دارویی، بهداشتی

پس افتلال در بندر یعنی: افتلال در امنیت غذایی و دارویی.

۵) زنجیره سافت وساز – قربانی برق و گاز

چرا سافت وساز در ایران دچار رکود مزمن شده؟

یکی از مهم ترین دلایلش بمران انرژی در:

- سیمان
- فولاد
- کاشی و سرامیک
- رنگ و رزین
- شیشه
- آلومینیوم

وقتی این صنایع قطع می شوند، پرفه سافت وساز نیز متوقف می شود و این یعنی رکود اقتصاد شهری.

۶) صنایع کوچک و متوسط – ملقه ای که اگر بشکند، هیچ ملقه ای نمی ماند

SME ها ستون اقتصاد واقعی اند:

- بیش از ۹۰٪ تعداد وامدها
- ۶۵٪ اشتغال
- ۵۰٪ تولید کالاهای مصرفی
- ۳۰٪ صادرات غیر نفتی

اما بیشترین فشار را تحمل می کنند:

- انرژی ناپایدار
- واردات بی ضابطه
- جهش ارزی
- نبود تسهیلات نقدینگی

- هزینه‌های بیمه و مالیات

این بخش امروز در آستانه فروپاشی است مگر اینکه اصلاحات فوری انجام شود. تحلیل صنعتی متاسفانه روشن می‌کند: مشکلات صنعتی ایران چندپاره نیستند؛ یک شبکه بمران هستند.

- انرژی
- واردات
- ته‌لنجی
- گمرک
- لجستیک
- سیاست تجاری
- زنجیره تأمین
- ناهماهنگی نهادی

همه به هم وصل‌اند. همه، هم‌زمان روی صنعت فشار می‌آورند و همه یک نتیجه دارند:

صنعت ایران در وضعیت شکنندگی سیستماتیک قرار دارد.

اما هم‌زمان ...

اتاق ایران تنها نهادی است که می‌تواند این زنجیره را دوباره منسجم کند.

فصل چهارم : تحلیل نهادی: جایگاه اتاق ایران در مکرانی اقتصادی و ظرفیت‌های استفاده‌نشده آن

اگر در سه فصل قبل دیدیم که اقتصاد ایران چه بمران‌هایی دارد و صنعت چگونه زیر فشار تصمیمات نادرست خم شده، در این فصل باید به مهم‌ترین سؤال بپردازیم:

در میان این آشفتگی نهادی، اتاق ایران چه جایگاهی دارد و چه می‌تواند بکند؟

این فصل، به جای تعریف و تمجید کلی، به صورت سیستمی نشان می‌دهد اتاق ایران در معماری مکرانی اقتصادی کشور کجا ایستاده، چرا نقش آن میانی است و چرا ظرفیت‌هایش هنوز استفاده نشده باقی مانده است.

(۱) اتاق ایران یک "نهاد نمایندگی" نیست؛ یک "زیرساخت مکرانی" است

در نگاه عرفی، اتاق ایران فقط یک نهاد صنفی یا مشورتی است. اما در عمل، بر اساس داده، شبکه و ارتباطات داخلی و بین‌المللی:

اتاق ایران یک ستون نظام مکرانی اقتصادی است متی اگر دولت فودش هنوز این موضوع را نپذیرفته باشد.

۱,۱) اتاق بیشترین مهم داده زنده از اقتصاد واقعی را دارد

هیچ نهاد دولتی به اندازه اتاق:

- شبکه تشکلهای
- انجمنهای تخصصی
- ارتباط مستقیم با وامدهای صنعتی
- خبرهای میدانی
- اطلاعات چالشهای روزانه تولید
- تجربههای عملیاتی فعالان را در اختیار ندارد.

این دادهها "آمار نیستند"؛ واقعیت اقتصاددند.

۱,۲) اتاق تنها نهادی است که درد را از منبع می شنود

دولت از طریق گزارش اداری با وضعیت صنعت آشنا می شود؛

اما اتاق با:

- تماس مستقیم با کارخانه
- بازدید میدانی
- جلسه با تشکلهای
- مطالعات کارشناسی
- تحلیل زنجیره تأمین اقتصاد را لمس می کند.

این تفاوت کوچک، نتیجه ای بزرگ دارد:

اتاق قبل از وقوع بحران، نشانه ها را می بیند.

۱,۳) اتاق ایران ماهیتاً «غیربفشی» است

صمت صنعت را می بیند ، اقتصاد دارایی را می بیند ، گمرک روی ترفیص تمرکز دارد ، وزارت نفت روی انرژی ، بانک مرکزی روی ارز ، اما اتاق ایران ، همه اینها را با هم می بیند.

یعنی نگاه اتاق، نگاه شبکه ای و کلنگر است ، همان چیزی که حکمرانی اقتصادی ایران بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد.

۲) نقش‌های مغفول‌مانده اتاق ایران در مکرمانی

در نشست‌ی مثل نشست ۲۸ می‌بینیم که اتاق چه نقشی ایفا می‌کند. اما واقعیت این است که اتاق هنوز فقط ۳۰٪ ظرفیت واقعی خود را استفاده می‌کند.

متاسفانه بر اساس تحلیل سافت‌اری، سه نقش مغفول‌مانده اتاق را شناسایی می‌کند:

۲.۱) نقش "تحلیل سیاستی"

در دنیا، اتاق‌ها معمولاً به مرکز فکر دولت‌ها تبدیل شده‌اند. اما در ایران، فاصله میان داده‌های اتاق و تصمیم دولت زیاد است. اگر اتاق سافتار تحلیل سیاستی خود را تقویت کند، می‌تواند:

- اثر هر سیاست را مدل‌سازی کند
- سناریوهای انرژی- صنعت را تدوین کند
- اثر واردات بر زنجیره تولید را برآورد کند
- سنجش RISK سیاست‌های تجاری را ارائه بدهد

این ظرفیت وجود دارد، اما سافتار رسمی ندارد.

۲.۲) نقش "گفت‌وگوی ملی اقتصاد"

در شرایط بی‌اعتمادی نهادی، اتاق تنها مکانی است که همه طرف‌ها حاضرند پشت یک میز بنشینند.

این یک "سرمایه نهادی" است و نایاب.

اتاق می‌تواند:

- تضادهای میان نهادها را مدیریت کند
- استانداری، گمرک، صمت و تشکله‌ها را پای میز بیاورد
- افق مشترک بسازد
- نقشه‌های میان‌بخشی ایجاد کند

چیزی که دولت نمی‌تواند، اتاق می‌تواند: اعتمادسازی.

۲.۳) نقش "هشداردهی (زود هنگام)"

بی‌ثباتی در ایران ناگهانی اتفاق می‌افتد: ارز، انرژی، ممل‌ونقل، واردات، بفشنامه‌ها...

هر بار صنعت غافلگیر می‌شود.

اما اتاق می‌تواند (و باید) اولین سیستمی باشد که پیش از وقوع بحران، پیام بفرستد:

- شافص‌های هشدار انرژی
- شافص‌های هشدار گمرکی
- شافص‌های هشدار قاپاق سازمان‌یافته
- شافص‌های هشدار ارزی
- شافص‌های هشدار توقف زمینه‌ر تأمین

این کار نه تنها ممکن است ، بلکه ابزارهایش در اتاق وجود دارد ، اما فعال نیست.

۳) اتاق ایران: تنها «وزنه تعادل» در میدان ناپایدار سیاست‌گذاری

نشست ۲۸ یک حقیقت را آشکار کرد:

هرجا دولت بی ثبات است، اتاق تلاش می‌کند ثبات ایجاد کند.

هرجا دولت میندصدایی دارد، اتاق یک صدا ایجاد می‌کند.

هرجا دولت بدون ارزیابی اثر تصمیم می‌گیرد، اتاق تحلیل ارائه می‌دهد.

هرچا دولت اساسی تصمیم می‌گیرد، اتاق مناسبه محور عمل می‌کند.

این "تبادل سازی" فقط یک نقش تشریفاتی نیست؛

یک نقش میاتی در حکمرانی اقتصادی کشور است.

۱۴) موانع سافت‌اری بر سر راه اتاق

اگر اتاق در ایجاد تعادل موفق است، چرا نقش آن به اندازه ظرفیتش رشد نمی‌کند؟

چهار مانع کلیدی وجود دارد:

۱۴,۱) نبود دسترسی رسمی به فرایند سیاست‌گذاری

در ایران، تصمیم‌ها در وزارتخانه‌ها گرفته می‌شود، در حالی که اتاق فقط پس از صدور بخشنامه مطلع می‌شود. این یعنی اتاق "پسینی" است. برای موفقیت، باید "پیشینی" شود.

۱۴،۲) نبود نظام مشورت اجباری

در بسیاری کشورها، هیچ سیاست اقتصادی بدون نظر اتاق قابل تصویب نیست، نه به معنی اختیار، بلکه الزام به مشورت. در ایران چنین سازوکاری وجود ندارد.

۱۴،۳) تعدد تشکلهای بدون ساماندهی مرفه‌ای

بعضی تشکلهای بسیار قوی اند ؛ بعضی فاقد سافت‌مارف‌های این تفاوت باعث می‌شود توان اتاق یک‌دست نباشد.

۱۴,۱۴) ضعف زیرساخت داده و تحلیل

اتاق داده دارد، فراوان هم دارد ؛ اما ابزار تحلیلی و سیستماتیک ندارد.

نیاز به هوش مصنوعی، داشبوردهای صنعتی، داده‌کاوی، ابزارهای سنجش اثر و اتاق فکر یکپارچه مس می‌شود.

۵) چرا نقش اتاق اکنون میانی‌تر از هر زمان است؟

سه دلیل کلیدی:

۵,۱) کشور وارد مرحله "بهران‌های هم‌زمان" شده

انرژی + تجارت + لجستیک + ارز + مالیات + واردات

همه با هم فشار می‌آورند. هیچ نهادی جز اتاق که نگاه شبکه‌ای داشته باشد ، توان مدیریت این چندبهرانی را ندارد.

۵,۲) صنعت در آستانه شکنندگی سیستماتیک است

این وضعیت نیاز به نهادی دارد که:

- بهران را پیش‌بینی کند
- پیام را منتقل کند
- راه‌حل عملی بدهد

اتاق تنها گزینه است.

۵,۳) کشور به نقطه «بازآرایی مکررانی اقتصادی» نزدیک شده

وقتی سافت‌مار موجود پاسخ نمی‌دهد ، ناچار سیستم به سمت بازآرایی می‌رود.

در این فرایند ، نهادی که دانش، شبکه و مشروعیت دارد ، به‌طور طبیعی نقش مموری پیدا می‌کند.

و آن نهاد اتاق است.

این فصل نشان داد :اتاق ایران فقط یک نهاد صنفی نیست ؛ یک ستون مکررانی اقتصادی است که اگر ظرفیتش

فعال شود، می‌تواند اقتصاد کشور را از فاز واکنشی به فاز پیش‌بینی‌پذیر منتقل کند.

اما برای این نقش ، باید ابزار، اختیار، سافت‌مار و جایگاه اتاق متناسب با مسئولیت ملی آن تعریف شود.

پس از تحلیل سافتاری بحران‌ها و جایگاه اتاق، اکنون باید پاسخ دهیم:

اتاق ایران چه باید بکند؟ و چه نقش‌هایی می‌تواند برای خروج اقتصاد از وضعیت شکنندگی ایفا کند؟

این فصل شامل هفت (راهکار میانی، ملی و فرابخشی است؛ راهکارهایی که از سطح بحث‌های نشست ۲۸ فراتر می‌روند و اتاق ایران را به بازیگر اصلی "بازآرایی حکمرانی اقتصادی" تبدیل می‌کنند.

(۱) ایجاد "ستاد ملی هماهنگی سیاست صنعتی" با محوریت اتاق ایران

این مهم‌ترین و فوری‌ترین اقدام است.

چرا؟ چون مشکل اصلی کشور چندصدایی و آشفتگی نهادی است. هیچ نهادی نمی‌تواند این آشفتگی را حل کند، جز اتاق.

سافتار پیشنهادی:

- اتاق ایران (رئیس)
- وزارت صمت
- گمرک
- ستاد قاپاق
- سازمان برنامه
- اتاق‌های استانی
- چند تشکل مادر

وظایف:

- ارزیابی اثر بخشنامه‌ها پیش از اجرا
- هم‌صداسازی دستگاه‌ها
- مل اختلاف نهادی
- توقف صدور تصمیمات آشفتہ‌ساز
- تدوین سیاست‌های میان‌بخشی (صمت + انرژی + گمرک)

این سافتار باید با یک مصوبه دولت رسمیت یابد.

بدون زمین ستادی، آینده اقتصادی کشور در دست «تصادف» باقی می‌ماند.

(۲) تدوین "نقشه انرژی-صنعت ۱۴۱۰"

این نقشه باید تبدیل شود به **قانون الزام‌آور** برای وزارت نفت و نیرو.

معمورهای نقشته:

- پیش‌بینی قطع انرژی سالانه
- سهمیه‌بندی هوشمند برای صنایع
- مسیر سرمایه‌گذاری در گاز و برق
- اولویت‌بندی صنایع انرژی‌بر
- سناریوهای تابستان و زمستان

نقش اتاق:

اتاق، باید تیم تحلیل انرژی خود را ایاماد کند ، ترجمیم زبرسافت داده‌محمور و مبتنی بر سناریو.

مرا میاتی است؟ چون بدون انرژی پایدار، هیچ صنعتی باقی نمی ماند و هیچ سرمایه گذاری شکل نمی گیرد.

(۳) بازطراحی سیاست‌تولیدی: از "ره‌اندگی اجرایی" به "سامانه هوشمند کنترل و حمایت"

متاس پیشنهاد می‌دهد که اتاق ایران مسئولیت تدوین "طرح جامع ساماندهی تهنجی" را برعهده بگیرد.

سازه پیشنهادی:

- تعیین سقف کلایی برای هر استان
- اتصال کارت بازرگانی ملوانی به سامانه وامد
- رصد مسیر کالا از مرز تا بازار
- تفکیک حمایت معیشتی از واردات
- ممنوعیت واردات کالاهای ممنوعه یا آسیب‌زا
- ایجاد داشبورد نظارت برای تشکله‌ها

هدف: نه حذف ته‌لنجی، نه آزادسازی آن ؛ بلکه تبدیل آن به ابزار حمایت هدفمند، بدون لطمه به صنعت.

(۱۴) بازسازی زنجیره تأمین، لمستیکی و بندرها (طرح نجات ملی زنجیره تأمین)

حادثه بندر شهید رجایی فقط یک هشدار بود ؛ اگر تکرار شود، اقتصاد کشور فلج می‌شود.

اقدامات پیشنهادی:

- سامانه ملی رصد کانتینر
- گزارش هفتگی گلوگاه‌های بندری
- تمرکززدایی از بندرهای جنوب
- تقویت بندر چابهار به عنوان مسیر جایگزین
- تدوین پروتکل واکنش سریع به اختلالات لجستیک

اتاق ایران می‌تواند با ایجاد "مرکز مانیتورینگ زنجیره تأمین" نقش رصدکننده ملی را برعهده بگیرد.

۵) ایجاد "شافص هشدار زود هنگام صنعتی"

این پیشنهاد کاملاً ابتکاری و از ایده های متاص است.

شافص شامل:

- شافص فطر انرژی
- شافص فطر قایاق
- شافص نوسان ارزی
- شافص توقف بندری
- شافص بی‌ثباتی بفشنامه
- شافص موجودی مواد اولیه در کشور

این شافص باید هر ۱۵ روز منتشر شود و تبدیل شود به ابزار اصلی مدیریت ریسک در صنعت.

نقش اتاق:

اتاق تنها نهادی است که داده خام برای این شافص را دارد.

۶) بازطراحی سافت‌ار تشکله‌ها و ایجاد "نظام نوین تشکله‌های اقتصادی"

تشکله‌های فعلی ارزشمندند ، اما سافت‌ارشان قدیمی است.

اقدامات پیشنهادی:

- طبقه‌بندی تشکله‌ها به سه گروه: مادر ، تخصصی ، منطقه‌ای
- ادغام تشکله‌های کوچک یا کم‌اثر
- ایجاد مراکز پژوهشی در تشکله‌های مادر

- تعریف KPI برای هر تشکل
- اتصال مستقیم تشکله‌ها به سامانه داده اتاق

هدف:

تقویت کیفیت تشکله‌ها = تقویت قدرت سیاست‌گذاری اتاق.

(۷) تدوین "سند ملی نقش اتاق ایران در حکمرانی اقتصادی"

این سند باید اولین سند رسمی باشد که جایگاه اتاق در سیاست‌گذاری کشور را تعریف می‌کند.

بفش‌های سند:

- نقش اتاق در مشورت اقتصادی
- نقش اتاق در اثرسنجی بفشنامه‌ها
- نقش اتاق در تنظیم‌گری نرم
- نقش اتاق در گفت‌وگوی ملی
- نقش اتاق در بمران‌ها
- نقش اتاق در آینده‌پژوهی صنعتی

این سند اگر تدوین شود ، می‌تواند مبنای قانونی قرار گیرد و متی به شورای عالی اقتصاد ارائه شود.

این فصل نشان می‌دهد که:

(۱) اتاق فقط منتقد نیست؛

توان رهبری یک تغییر ملی را دارد.

(۲) مشکلات اقتصاد ایران فقط صنعتی نیستند؛

بلکه نتیجه آشفتگی حکمرانی‌اند.

(۳) اتاق می‌تواند از یک نهاد مشورتی

به "ستون حکمرانی اقتصادی" تبدیل شود ، اگر سافتکارهای بالا اجرا شود.

(۴) این (راهکارها، فراتر از مباحث نشست ۲۸ و یک نقشه‌راه جامع برای ۱۴۰۵ و پس از آن است.

فصل ششم : جمع‌بندی کلان و چشم‌انداز آینده: اقتصاد ایران در آستانه یک بازآرایی بزرگ

پس از سه فصل روایت و دو فصل تحلیل، اکنون باید یک سؤال بنیادی را پاسخ دهیم:

ایران در چه نقطه‌ای ایستاده است؟ و نقش اتاق ایران در آینده اقتصاد کشور چه خواهد بود؟

این فصل تلاش می‌کند از زاویه‌ای بالاتر نگاه کند؛ نه فقط از زاویه صنعت یا تجارت، بلکه از منظر "تمول سافت‌اری" که اقتصاد ایران ناچار به ورود در آن است.

۱) اقتصاد ایران وارد "مرمله بمران‌های هم‌زمان" شده است

اقتصادهایی که با یک بمران مواجه می‌شوند، می‌توانند با سیاست‌های مقطعی مدیریت شوند. اما زمانی که بمران‌ها هم‌زمان می‌شوند و برهم اثر می‌گذارند، شرایط وارد مرمله جدیدی می‌شود.

در تحلیل متناص، اقتصاد ایران اکنون با پنج بمران هم‌زمان روبه‌روست:

۱. **بمران انرژی**
۲. **بمران تجاری و واردات بی‌ضابطه**
۳. **بمران ناهماهنگی نهادی**
۴. **بمران لجستیک و زیرسافت**
۵. **بمران بی‌ثباتی سیاست‌گذاری**

این بمران‌ها نه فقط هم‌زمان‌اند، بلکه به‌صورت متقاطع نیز یکدیگر را تقویت می‌کنند.

نتیجه؟ اقتصاد ایران وارد مرمله‌ای شده که آن را "شکندگی سیستماتیک" می‌نامیم.

۲) چرا شکندگی سیستماتیک فطرتاً‌تر از بمران‌های مقطعی است؟

زیرا:

۲،۱) نقطه شروع دارد، نقطه پایان نه

وقتی یک بمران شروع می‌شود، می‌دانیم با چه چیزی روبه‌رو هستیم. اما در بمران‌های هم‌زمان، هر روز آغاز یک بمران جدید است.

۲،۲) به صنایع بزرگ و کوچک با هم ضربه می‌زند

- فولاد به‌خاطر انرژی
- نساجی به‌خاطر ته‌لنجی
- لوازم فانتگی به‌خاطر واردات
- بسته‌بندی به‌خاطر لجستیک

- SME ها به خاطر مالیات و هزینه های عملیاتی

این ضربه ها یکدیگر را تقویت می کنند.

(۲,۳) اعتماد را فرسایش می دهد

نقطه ای که اقتصاد از آن می ترسد ، بی ثباتی نیست ، ناتوانی در پیش بینی است.

(۳) ایران در آستانه یک "بازآرایی مکررانی اقتصادی" قرار دارد

وقتی ساختار قدیمی دیگر پاسخ نمی دهد ، سیستم ناچار است به سمت بازآرایی برود.

در سه سال اخیر نشانه های واضمی دیده می شود:

- تداخل اختیارات وزارتخانه ها
- نارضایتی صنایع بزرگ
- فرسودگی تشکلهای سنتی
- تغییر نسل مدیران صنعتی
- فشار واقعی بنگاه ها بر سیاست گذاری
- تغییر ترکیب هیأت نمایندگان اتاق ها

و مهم تر از همه:

✓ اتاق ایران در حال تبدیل شدن به "ممر هماهنگی اقتصادی" است.

نه به دلیل اختیار قانونی ، بلکه به دلیل ضرورت ساختاری.

(۴) چرا در شرایط فعلی، نقش اتاق یک نقش «میانی» است؟

زیرا هیچ نهادی در کشور ویژگی های زیر را همزمان ندارد:

(۴,۱) دسترسی به داده واقعی : داده ای که از میدان می آید، نه از گزارش های کتبی.

(۴,۲) شبکه گسترده صنعتی و تجاری : صدها تشکل، هزاران بنگاه، ده ها اتاق در سراسر کشور.

(۴,۳) توان تحلیل و کارشناسی : اتاق تنها نهادی است که می تواند برای هر سیاست، اثر روی زنجیره های مختلف را تحلیل کند.

(۴,۴) مشروعیت ملی : اتاق نه دولت است، نه جنای، نه دولتی. نماینده اقتصاد واقعی است.

هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند استانداری‌ها، وزارتخانه‌ها، گمرک و تشکلهای را دور یک میز جمع کند.

و در نهایت:

۱۴,۶ قدرت تولید راه‌حل عملیاتی: (راه‌حلهایی که اتاق می‌دهد، نه شعاری‌اند، نه سیاسی؛ بلکه قابل اجرا، قابل سنجش و قابل پیگیری‌اند).

۵) اگر این روند ادامه یابد، مسیر آینده اتاق چگونه خواهد بود؟

در تحلیل استراتژیک متاسفانه، اتاق ایران ممکن است از "یک نهاد مشورتی" به "نهاد مرکزی حکمرانی اقتصادی" تبدیل شود.

سه سناریو پیش‌روی آن است:

سناریوی ۱: "اتاق تحلیل‌گر" (سناریوی محتمل)

اتاق نقش اصلی خود را در تحلیل داده، ارائه راهکار و سنجش سیاست‌ها تثبیت می‌کند. در این سناریو، اتاق قلب سیاست‌گذاری می‌شود.

سناریوی ۲: "اتاق میانجی" (سناریوی محتمل‌تر)

در این سناریو، دولت‌ها برای حل تنش‌ها، میان‌نهادها، میان‌تشکلهای، میان‌استان‌ها، از اتاق کمک می‌گیرند.

اتاق تبدیل به "پلتفرم گفت‌وگوی ملی" می‌شود.

سناریوی ۳: "اتاق شریک سیاست‌گذاری" (سناریوی بلندمدت)

این سناریو زمانی رخ می‌دهد که:

- نظام مشورت رسمی ایجاد شود
- اتاق عضو شورای سیاست‌گذاری ملی شود
- تحلیل‌ها مبنای تصمیمات شود

در این سناریو، اتاق شریک دولت است.

۶) اولویت‌های اقدام

در این مرحله، سه اولویت کلیدی داریم:

اولویت اول:

اقتصاد ایران در مرحله بمران‌های هم‌زمان است و سیاست‌گذاری قدیمی نمی‌تواند آن را مدیریت کند.

اولویت دوم:

اتاق ایران اکنون مهم‌ترین نهاد تعادل‌ساز کشور است، نه به دلیل قانون، بلکه به دلیل کارکرد و ضرورت ساختاری.

اولویت سوم:

نسل جدید سیاست‌گذاری در ایران، باید بر پایه "تملیل"، "گفت‌وگو" و "هم‌افزایی نهادی" ساخته شود، و اتاق ایران نقطه شروع آن است.

فصل هفتم: جمع‌بندی نهایی و پیام متناص برای آینده اقتصاد ایران

پس از روایت دقیق نشست، تملیل ساختاری بمران‌ها، واکاوی ریشه‌های مکرمانی، بررسی فشارهای صنعتی و ارائه نقشه‌راه پیشنهادی، اکنون باید پیام اصلی را به صورت صریح، ملی و آینده‌نگر بیان کنیم.

۱) ایران در یک نقطه سرنوشت‌ساز ایستاده است

نشست ۱۲۸ام اتاق ایران یک جلسه معمولی نبود؛ آینه‌ای بود که تصویر واقعی اقتصاد ایران را بدون روتوش به نمایش گذاشت.

تصویری که نشان داد:

- بمران انرژی «مزامم» نیست؛ «فلج‌کننده» است.
- ناهماهنگی نهادی یک «ضعف» نیست؛ «ریشه بمران‌ها» است.
- سیاست تجاری بی‌قاعده «پالش» نیست؛ «تهدید توسعه» است.
- زنجیره تأمین کشور «آسیب‌پذیر» نیست؛ «در آستانه فروپاشی شبکه‌ای» است.
- و مهم‌تر از همه...

هیچ نهادی جز اتاق ایران امکان مدیریت این شبکه بمران را ندارد.

این واقعیت، نتیجه تملیل نیست؛ نتیجه «ضرورت ساختاری» است.

۲) اتاق ایران؛ از یک نهاد مشورتی تا یک ستون مکرمانی اقتصادی

تملیل متناص نشان می‌دهد که اتاق ایران در پنج سال گذشته از یک نقش سنتی فراتر رفته است:

✓ از ماشیه به متن آمده

- ✓ از مشورت به تحلیل رسیده
- ✓ از تماشا به مشارکت رسیده
- ✓ از نقش صنفی به نقش مکرانی ارتقا یافته

نه با ادعا، بلکه با:

- شبکه فعالان
- داده واقعی
- قدرت جمع‌بندی
- پلتفرم گفت‌وگو
- توان اثرگذاری بر سیاست
- و اعتماد بفش فصوصی

اتاق ایران امروز تنها نهادی است که می‌تواند هم اثر بمران‌ها را ببیند، هم راه‌مل ارائه کند و هم قدرت اجرایی در میدان داشته باشد.

۳) پنج پیام کلیدی برای سیاست‌گذاران، فعالان اقتصادی و آینده‌نگران

بر اساس تحلیل کامل مقاله ، متاص پنج پیام بنیادی را به‌صورت رسمی اعلام می‌کند:

پیام اول:

تا زمانی که نظام هماهنگی نهادی اصلاح نشود، هیچ سیاست صنعتی موفق نخواهد بود.

انرژی، تجارت، واردات، ارز، مالیات، و حمل‌ونقل ، بدون یک فرماندهی واحد ، فقط بمران تولید می‌کنند.

پیام دوم:

هر صنعتی که انرژی پایدار ندارد، آینده ندارد. هیچ برنامه توسعه‌ای متی ۵ساله ، بدون نقشه انرژی قابل تمقق نیست. نقشه انرژی ، صنعت ۱۴۱۰ یک ضرورت است، نه انتفاب.

پیام سوم:

سیاست‌های تجاری باید هدفمند، داده‌مهور و اثرسنجی‌شده باشد. نه سیاست‌های امساسی، نه سیاست‌های کوتاه‌مدت، نه تصمیمات بدون سامانه اجرا.

پیام چهارم:

زنجیره تأمین کشور ستون فقرات اقتصاد است و اکنون شکننده‌تر از همیشه است. هر بمران لجستیکی می‌تواند کل اقتصاد را متوقف کند. بازطراحی زنجیره تأمین یک پروژه ملی است.

پیام پنجم:

اتاق ایران باید به جایگاه رسمی "نهاد هماهنگی سیاست صنعتی" ارتقا یابد.

این پیام مموری مقاله است. اتاق نه رقیب دولت است، نه جایگزین دولت؛

بلکه نقش تکمیلی، تعادلی و هماهنگ‌کننده دارد، در موزه‌ای که دولت عملاً قادر به مدیریت کامل آن نیست.

۱۴ چشم‌انداز آینده:

۱۴۰۵ سال بازآرایی اولویت‌هاست، نه سال رفع بحران، در چشم‌انداز متناص، سال پیش‌رو (۱۴۰۵) و سال‌های پس از آن، سه روند کلیدی رقم خواهد خورد:

۱۴.۱ گذار از سیاست‌گذاری واکنشی به تصمیم‌سازی پیش‌بینانه

اگر اتاق محور طراحی شفاف‌های هشدار زودهنگام باشد، کشور می‌تواند پیش از وقوع بحران تصمیم بگیرد، نه پس از آن.

۱۴.۲ تمول تشکلهای از نهادهای صنفی به نهادهای سیاست‌گذار

تشکلهای باید:

- مرکز داده داشته باشند
- مرکز پژوهشی داشته باشند
- زبان سیاست‌گذاری یاد بگیرند
- نقش خود را از «مطالبه‌گری» به «مشارکت» ارتقا دهند

۱۴.۳ شکل‌گیری معماری جدید متمرانی اقتصادی با نقش‌مموری اتاق

این معماری شامل:

- ستاد ملی هماهنگی صنعتی
- نظام مشورت اجباری
- نقشه انرژی - صنعت
- بازطراحی سیاست تجاری
- و بازآرایی سافت‌ار تشکلهای است

این معماری جدید دیر یا زود اتفاق می‌افتد و اتاق باید آماده رهبری آن باشد.

۵) پیام نهایی متاس

اگر بخواهیم آینده اقتصاد ایران روشن‌تر از امروز باشد ، باید از این نقطه شروع کنیم:

اتاق ایران نه تنها مدافع تولید است ، بلکه شایسته‌ترین نهاد برای هدایت اصلاحات اقتصادی کشور است.

اصلاحات اقتصادی در ایران از وزارتخانه‌ها آغاز نخواهد شد؛ از جایی آغاز خواهد شد که:

- دانش واقعی وجود دارد
- اراده اصلاح وجود دارد
- شبکه فعالان اقتصادی حاضرند مشارکت کنند
- و گفت‌وگو می‌تواند شکل بگیرد

و آنجا، اتاق ایران است.

سفن پایانی

تمام آنچه در این مقاله آمده یک پیام مموری دارد ، اقتصاد ایران نه از کمبود منابع رنج میبرد و نه از کمبود استعداد؛ آنچه کمبود داریم معماری متمرانی اقتصادی است. اتاق ایران امروز در آستانه تبدیل شدن به نقطه ثقل این معماری است اگر ظرفیتهایش به رسمیت شناخته شود و اگر نسل جدیدی از تصمیم سازی شکل گیرد.

تعهد من و مرکز متاس

تملیل بی طرفانه مطالبه گری علمی و ارائه راه حل است ؛ نه در برابر دولت نه علیه دولت ، بلکه در کنار منافع ملی و توسعه پایدار ، امیدوارم این گزارش سهم کوچکی در باز کردن مسیر آینده داشته باشد.

علی انوری
مشاور توسعه صنعتی